



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



پرسی موضوع سیاسی

امام خمینی (ره)

و پیوند آن با

فرهنگ عاشورا

غلامعلی پور یعقوبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# بررسی مواضع سیاسی امام خمینی و پیوند آن با فرهنگ عاشورا

نویسنده:

غلامعلی پور یعقوبی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	بررسی مواضع سیاسی امام خمینی و پیوند آن با فرهنگ عاشورا
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	موقعیت قیام عاشورا
۷	اشاره
۸	برکات قیام عاشورا
۸	آگاهی و بیداری جامعه
۸	نجات اسلام و مسلمین از چنگال بنی امیه
۹	توجه مردم به اهل بیت و شناخت چهره‌های محبوب
۹	جنبشهای اصلاح طلبانه علیه بیداد و ستم
۹	موقعیت انقلاب اسلامی ایران در آغاز
۱۲	دستاوردهای قیام امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران
۱۳	دیدگاههای سیاسی و اجتماعی امام خمینی و پیوند آن با فرهنگ عاشورا
۱۵	پاورقی
۱۷	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## بررسی مواضع سیاسی امام خمینی و پیوند آن با فرهنگ عاشورا

### مشخصات کتاب

عنوان: بررسی مواضع سیاسی امام خمینی (ره) و پیوند آن با فرهنگ عاشورا

پدیدآورندگان: روح‌الله خمینی توصیف‌گر

غلامعلی پوریعقوبی (پدیدآور)

وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۸۷

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیف‌گر: تاریخ اسلام

اندیشه سیاسی امام خمینی

انقلاب اسلامی ایران

قیام عاشورا

### مقدمه

«امام» در فرهنگ اسلامی، واژه‌ای نیست که در برابر معانی مترادفی همچون رهبر، رئیس، پیشوا و... قرار گیرد، بلکه «امام» در فرهنگ اسلام، از قرآن شروع و به سنت ختم می‌شود و همان جوهره فرهنگ و جلوه عالی‌ترین ارزشهای خدایی است که در صحنه عمل در سیمای پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) ظاهر شده است. و چون مسئله رهبری الهی، نشأت گرفته از اصل فطری اسوه‌پذیری انسان است و آنگونه که زمین خالی از حجت نیست، انسان هم نمی‌تواند بدون اسوه باشد، و بر این اساس، امامت همواره مکمل نبوت و ضامن بقای مکتب است. مستشرقان و محققان بیگانه از اسلام نیز به نقش پایگاه اسلامی امت که تبلور عینی آن در امامان شیعی است پی برده‌اند و به این حقیقت اعتراف کرده‌اند که اگر اصل امامت در اسلام نبود، این دین نیز همانند مسیحیت و یهودیت در همان ابتدای کار به انحراف می‌گرایید و حتی به فراموشی سپرده می‌شد. حدیث مفصل و مشهوری در باب امامت از حضرت امام رضا علیه‌السلام روایت شده که بر مبنای آن، امامت به زمام دین و نظام مسلمین و عزت مؤمنین و ستون اصلی اسلام تعریف شده است. ما اکنون در صدد بیان آن حدیث یا احادیث دیگری در زمینه امامت نیستیم و خواستاران را به کتاب اصول کافی (ج ۱، ص ۲۰۰) و دیگر کتابهای مربوط به این مورد ارجاع می‌دهیم. [۱]. با توجه به عظمت مقام امامت و نقش امام معصوم در فرهنگ شیعی، اصل ولایت فقیه که استمرار ولایت و اختیار ائمه هدی (ع) است، معنا و مفهوم خود را می‌یابد. این اصل به ابتکار حضرت امام خمینی - سلام الله علیه - همزمان با طرح حکومت اسلامی از آغاز مبارزات ایشان برای ملت ایران و مسلمانان جهان شناخته شد و به عنوان پیشرفته‌ترین شکل حکومت در جامعه اسلامی مطرح گردید. به عبارت دیگر، شکوهمندترین دستاورد انقلاب اسلامی، اصل ولایت فقیه است. اجرای این اصل، نوع جدیدی از حکومت است که در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، بر عهده‌ی فقیه عادل و آگاه به زمان و مدیر و مدبر و شجاع گذاشته شده است، و آن هم چیزی جز ادامه ولایت پیامبر (ص) و ائمه علیهم‌السلام نیست. مقاله حاضر در صدد آن است تا پیوند مواضع رهبری انقلاب اسلامی با فرهنگ عاشورا را بیان کند و به

این نتیجه برسد که این انقلاب و مواضع رهبری بزرگ آن، الهام گرفته از قیام عاشورا است. زیرا هر کس کمترین آشنایی با تاریخ انقلاب اسلامی دارد به این نکته واقف است که این انقلاب از محرم و با نام امام حسین (ع) شروع شد و تا سر حد پیروزی ادامه یافت. پیش از بررسی این مهم، ضروری است نگاهی گذرا به موقعیت و برکات قیام عاشورا و نیز کیفیت و ثمرات انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (س) داشته باشیم.

## موقعیت قیام عاشورا

### اشاره

نقشه منافقان و دشمنان اسلام از همان آغاز کار، حذف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از مسند مرجعیت و رهبری امت اسلامی بود، و این امر با عنوان کردن «حسبنا کتاب الله» [۲] در روزهای پایانی حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آغاز شد، و با نقشه‌ی منع کتابت و نقل حدیث - که عمدتاً درباره اهل بیت علیهم السلام بود - ادامه یافت. و در نهایت با جعل و نقل احادیث ساختگی در منقبت خلفا [۳] و تحریف و تأویل حدیثهای مربوط به فضایل اهل بیت، کار بدانجا کشیده شد که بر خلاف مفاد حدیث مشهور و متواتر «ثقلین» [۴]، مرجعیت و حاکمیت از اهل بیت گرفته شد و بین آنان و مردم جدایی افکندند. بدین ترتیب، حضرت علی علیه السلام را بیست و سه سال از مسند خلافت کنار زدند، و آنگاه هم که حکومت ظاهری به دست آن حضرت افتاد، با فراهم آوردن جنگها و مزاحمتها، وضعی پیش آمد که امام علی (ع) از بی وفایی و نفاق برخی از یاران و همراهانش، شکوه‌ها بر لب [۵] و از عداوت دشمنان، خونها در دل داشت، داستان ناسزا گویی دشمنان در معابر، سالها به صورت امری واجب بدعت شده بود [۶]، به گونه‌ای که هنگام منع این کار از سوی عمر بن عبدالعزیز، مردم به فریاد آمدند که: «ترکت السنه، غیرت السنه» [۷]. پس از شهادت حضرت علی علیه السلام، فرزندش امام حسن (ع) گرفتار همان توطئه‌ها بود و تبلیغات دشمنان و جهالت دوستان، آنچنان عرصه را بر آن حضرت تنگ کرد که ناگزیر به صلح با معاویه شد و سالها به ظاهر از صحنه سیاست و حکومت کنار رفت. [۸]. هنگامی که نوبت به امام حسین (ع) رسید، تا معاویه زنده بود، با تبلیغات سوء و نقشه‌های منافقانه‌اش، دشمنی با اهل بیت (ع) یا بی تفاوتی به آنان در جامعه تشدید شد. مرحوم علامه طباطبایی (ره) در این باره می‌فرماید: «در طول ده سال امامت امام حسین علیه السلام در عصر معاویه، حتی یک مورد در تمام فقه اسلام از آن حضرت روایت نشده است». [۹]. بر اساس این گفته، مشخص می‌شود که اقبال و مراجعه مردم به اهل بیت (ع) در آن زمان به صفر رسیده بوده است. البته غربت و مظلومیت امام (ع) میان خاندان خودش نیز راه یافته بود و افرادی مانند عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر که از همین شجره طیبه (بنی هاشم) هستند، جرأت نمی‌کردند نام امام حسین (ع) را در مکه یا مدینه ببرند و یا آن حضرت را در سفر عراق همراهی کنند. [۱۰]. اگر این روایت را درست بدانیم و بپذیریم که امام سجاد علیه السلام، حدود ده سال در بادیه زندگی می‌کرد و تا مدت‌ها فقط سه یا پنج تن به امامت آن بزرگوار اعتقاد داشتند و به آن اعتراف می‌کردند، [۱۱] عمق فاجعه بیشتر معلوم می‌شود. از این جا در می‌یابیم چرا که امام حسین علیه السلام به پیشنهاد آن دسته از افرادی که ایشان را به اقدام علیه معاویه دعوت می‌کردند، پاسخ مثبت نداد و فرمود: «صدق ابو محمد فلیکن کل رجل منکم حلما من احلاس بیته مادام هذا الانسان حیا... و اما انا فلیس رأی الیوم ذلک». [۱۲]. آنچه ابو محمد حسن بن علی (ع) کرده درست است، و هر کدام از شما تا وقتی معاویه زنده است باید پلاس خانه‌ی خود باشد... و من در این زمان نظر مساعدی نسبت به قیام و اقدام علیه او ندارم. بدین ترتیب تا فضای خفقان آلود همراه با نفاق دوران معاویه بود، امام حسین (ع) حرکت انقلابی خویش را آغاز نکرد. گرچه همانند برادرش امام مجتبی (ع) همواره از طریق مبارزه منفی با دستگاه معاویه درگیر بود، و خطبه آن حضرت در انتقاد از شیوه ناپسند معاویه درباره‌ی جانشینی یزید، از آن

جمله است که بخشی از ترجمه این خطبه را می‌آوریم: «ای معاویه! آنچه درباره کمالات یزید و لیاقت از برای اداره امت محمد (ص) بر شمردی دانستم. از یزید آنگونه که هست سخن بگو! از سگبازیش بگو، آنگاه که سگهای درنده را به جان هم می‌اندازد. از کبوتر بازیش بگو، آنجا که آنها را بلند از پروازی به مسابقه می‌خواند. از بوالهوسی و عیاشی او بگو، هنگامی که کنیزکان را به رقص و آواز وامی‌دارد، و از فرط خوشی و ساز و آواز سرمست می‌شود...» [۱۳]. با سپری شدن دوران معاویه، مبارزات امام حسین علیه‌السلام وارد مرحله تازه‌ای شد و شکل جدیدی به خود گرفت، و نخستین نشانه‌اش حضور در مجالس والی مدینه به همراه سی مرد مسلح بود که از آمادگی آن حضرت برای رویارویی با یزید حکایت می‌کرد. امام حسین علیه‌السلام پس از دریافت پیشنهاد بیعت با یزید بن معاویه فرمود: «ای امیر! ما دودمان پیامبر و کانون رسالت و پایگاه فرود فرشتگان و جایگاه نزول رحمت الهی هستیم. ما سزاوارتریم به خلافت از یزیدی که شرابخوار و قاتل انسانهای بی‌گناه و جانی و فاسق آشکار است.» [۱۴]. حضرت حسین بن علی علیه‌السلام سپس با سپردن وصیتنامه سیاسی - الهی خود به برادرش محمد بن حنفیه به همراه خاندانش از مدینه عازم مکه شد. [۱۵] و جالب است بدانیم که برادرش محمد را به عنوان «عین» و دیدبان و مسئول مرکز اطلاعاتی خود در مدینه بر جای گذارد. [۱۶]. امام حسین (ع) - بر اساس نقلی - در ایام حج و در حضور بیش از نهمصد تن از صحابه و تابعان، خطابه مهیجی در مکه ایراد کرد که در آن به گوشه‌هایی از مناقب اهل بیت علیهم‌السلام و رفتار و کردارهای ناپسند بنی‌امیه اشاره داشت. [۱۷] آن حضرت (ع) پس از آگاهی از توطئه ترور خویش در حرم امن الهی به وسیله عمال یزید، پیش از پایان مراسم حج، با ایراد یک سخنرانی، تصمیم خود برای سفر به سوی عراق و احتمال درگیری با یزید بن معاویه را به اطلاع مردم رساند و از مکه خارج شد. [۱۸]. امام علیه‌السلام در حرکت تاریخی خویش با تمام ویژگی‌هایی که داشت، اهتمام خاصی در همراه بردن زنان و کودکانش به خرج داد، و در این راه با شکیبایی بی‌همانندی تا پای جان استوار ماند و سرانجام با شهادت خود و عزیزترین یاران و بستگان و اسارت اهل بیتش و همراه با خطبه‌های روشننگر حضرت زینب سلام الله علیها و حضرت علی بن حسین سید الساجدین علیه‌السلام، برکات فراوانی برای اسلام و مسلمین به ارمغان آورد.

## برکات قیام عاشورا

### آگاهی و بیداری جامعه

مردمی که تا آن زمان، هر خلیفه، امیر یا والی تحمیلی را می‌پذیرفتند، پس از قیام عاشورا پی بردند که اطلاعات از آنها «واجب» نیست، بلکه باید با خلفا و حاکمان جور به مبارزه برخیزند. آوای رسای حسین (ع) در گوش مردم طنین افکن شد که جدش پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «من رأی سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله، ناکثا عهده، مخالفا لسنة رسول الله (ص)، یعمل فی عباد الله بالأثم و العدوان، فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله.» [۱۹].

### نجات اسلام و مسلمین از چنگال بنی‌امیه

مردم پس از قیام عاشورا به وجهه منافقانه بنی‌امیه پی بردند و دانستند که این قوم کمر به نابودی اسلام بسته‌اند. معاویه بن ابی‌سفیان، یزید بن معاویه و ولید بن یزید، با دو امانت مورد سفارش پیامبر اکرم (ص)، یعنی قرآن و عترت، [۲۰] نهایت خصومت و دشمنی را کردند. رفتار ناپسند و غیر انسانی معاویه با حضرت علی علیه‌السلام [۲۱] و جنایتهای بی‌نظیر یزید در فاجعه کربلا و شهادت مظلومانه حسین بن علی (ع) بر همه مردم روشن شد. ولید بن یزید نیز به هنگام خلافت غاصبانه‌اش، قرآن کریم را به تیر بست و مغرورانه خطاب به کتاب وحی الهی گفت: «هنگامی که نزد خدا رفتی بگو که «ولید» مرا با تیر پاره پاره کرد!» [۲۲]. بنای این دون



صفتان، موجودی به نام «ابوسفیان» است که همگان بر دشمنی و نفاق او با پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آگاهند. وی در روزهایی که کور شده بود، در مجلسی پرسید: آیا بیگانه‌ای در این مجلس هست یا نه؟ و با شنیدن صدای «اشهد ان محمد رسول الله» گفت: ببینید این هاشمی، اسم خود را در کجا قرار داده و چگونه بالا برده است؟ امام علی علیه السلام که در آنجا حضور داشت فرمود: خدا چشمان تو را بگریاند. خداوند، اسم او را بالا برده و در قرآن فرموده است: «و وضعنا لک ذکرک». ابوسفیان گفت: خدا چشمان آن را که گفت در مجلس غریبه‌ای نیست بگریاند. [۲۳]. قیام عاشورا، ماهیت کفر و نفاق دودمان بنی امیه و دشمنی آنان با اسلام را برای همیشه آشکار ساخت و بنیاد آنان را در کمتر از یک قرن برانداخت.

### توجه مردم به اهل بیت و شناخت چهره‌های محبوب

قیام عاشورا آنچنان تأثیری داشت که پس از آن، بسیاری از قیامها و انقلابها به نام خاندان عصمت و طهارت (ع) آغاز شد که از آن جمله می‌توان به قیام مختار ثقفی، قیام توابعین، نهضت زید بن علی و حرکت و قیام عباسیان اشاره کرد.

### جنبشهای اصلاح طلبانه علیه بیداد و ستم

بیشتر حرکت‌های اصلاح طلبانه و قیام و اقدامهای اسلامی که در طول تاریخ از سوی مسلمانان صورت گرفت، ملهم از قیام خونین حسینی و نهضت بی‌نظیر عاشورا است. بارزترین و نزدیک‌ترین انقلاب نشأت گرفته از عاشورای حسینی، انقلاب اسلامی ایران به زعامت و رهبری فرزند شایسته و فرزانه‌ی حسین (ع)، حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه است. در اینجا، به سخنانی از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌کنیم: «ماه محرم برای مذهب تشیع ماهی است که پیروزی در متن فداکاری و خون به دست آمده است. در صدر اسلام پس از رحلت پیغمبر خاتم (ص) پایه گذار عدالت و آزادی، می‌رفت که با کجرویهای بنی‌امیه، اسلام در حلق ستمکاران فرورود، و عدالت در زیر پای تبهکاران نابود شود، که سیدالشهدا علیه السلام نهضت عاشورا را به پا کرد و با فداکاری خود و عزیزانش اسلام و عدالت را نجات داد... در عصر ما می‌رفت که با کجرویهای سلسله پهلوی حلقوم گشاد آنان و دارو دسته اربابان آنان، اسلام و مصالح آن را ببلعد، و عدالت و استقلال و آزادی را در زیر چکمه‌های دیکتاتوری و پرده ریا و تزویر به نابودی بکشد، که نهضت امت بزرگ ایران که در دوازدهم محرم ۸۳ (پانزدهم خرداد ۴۲) به شکوفایی گرایید... و فداکاری ملت، مبدأ عظیمی در تاریخ ایران گردید.» [۲۴]. امام خمینی (س) به مناسبت فرارسیدن ماه محرم در پی تظاهرات مردم مسلمان در روزهای تاسوعا و عاشورا بر ضد رژیم شاه در سال ۱۳۵۷ شمسی، پیام مهمی از فرانسه خطاب به ملت ایران فرستادند. معظم له در این پیام تأکید کردند: «... اینجانب با چشمی پر از امید و دلی فشرده از هواداری شما ملت عزیز از هدفهای بزرگ که سرنگونی رژیم شاه و برچیده شدن نظام شاهنشاهی و استقرار حکومت جمهوری اسلامی است، احساس غرور می‌کنم. شما در راهپیماییهای بزرگ سراسری ایران در روزهای تاسوعا و عاشورای سید مظلومان و امام فداکاران علیه الصلوة و السلام با آن بزرگوار تجدید عهد نمودید.» [۲۵]. شاید بهترین تعبیر در بیان نقش محرم در پیروزیهای گذشته انقلاب، این کلام امام (س) باشد که: «با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد؛ ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد...» [۲۶]. در این مرحله و پس از نگاهی گذرا به موقعیت و برکات قیام عاشورا به بخشی از ثمرات انقلاب اسلامی ایران و موقعیت آغازین آن می‌پردازیم:

### موقعیت انقلاب اسلامی ایران در آغاز

عمده فعالیت‌های امام خمینی (س) در دوره انتقال قدرت از رضاخان به محمد رضا، اصلاح و احیای فکر و فرهنگ حوزه و جامعه از راه تدریس و تربیت نیروهای دانشمند و متقی و آگاه به زمان بود. معظم له در سال ۱۳۲۳ کتاب کشف الاسرار را نوشت که سهم

بزرگی در آگاهی جامعه داشت. امام (س) بر این نکته تأکید داشت که با رفتن رضاخان و آمدن محمد رضا، جز تعداد انگشت شماری از مهره‌های رژیم رضاخانی، تغییر مهم دیگری در سیستم حکومتی کشور به وجود نخواهد آمد. از این رو، همواره در پی فرصتی برای ابراز مخالفت اساسی با رژیم شاه بود که شرح این قسمت را از بیان امام (س) می‌آوریم: «شاه از ابتدای سلطنت غاصبانه‌اش خیانت‌های بی‌شماری کرد، و مواردی هم پیش آمد که قدرت آن پیدا شد که او را از مملکت بیرون کنند که مع الاسف سستی کردند...» [۲۷]. «من به شما عرض بکنم که مطلبی که مال این چند ماهه باشد این یک مطلب ریشه‌دار است... لااقل بیست سال پیش از این است که اینها نقشه‌شان این بود که قم نباشد. در زمان مرحوم آقای بروجردی رضوان الله علیه هم نقشه این بود که ایشان نباشند و قم نباشد. منتها با بودن ایشان می‌دیدند که مفسده دارد اگر بخواهند کارهایی را انجام بدهند. بعد از اینکه ایشان تشریف بردند به جوار رحمت حق تعالی، از همان اول اینها شروع کردند به اسم احترام از مرکزی، کوبیدن آن مرکز دیگر را... اینها از آن وقت نقشه کشیدند برای نابودی روحانیت، و دنبالش نابودی اسلام، و دنبالش به نفع رساندن اسرائیل و عمال اسرائیل.» [۲۸]. خبرنگار تایمز امریکا در فرانسه در محاصره با امام از ایشان می‌خواهد که تاریخچه پانزده سال مبارزه خویش را اجمالا بیان کنند و امام (س) چنین پاسخ می‌دهند: «شرح مبارزات پانزده ساله اخیر بدین صورت بود که شاه بر خلاف مصلحت ملت کارهایی انجام داد. ابتدا علمای اسلام مخالفت کردند، و این مخالفت به گرفتاری شبانه من انجامید. در ۱۵ خرداد ۴۲ از قراری که می‌گویند پانزده هزار نفر کشته شدند. قریب یک سال در زندان و حصر بودم. پس از آزادی به مبارزاتم ادامه دادم، و مفساد و جنایات شاه را افشا نمودم، تا اینکه یکی از خیانت‌های بزرگ شاه، یعنی قضیه کاپیتولاسیون پیش آمد، و شاه مستشاران امریکایی را مصونیت داد. از این جهت که این قضیه مخالف مصالح اسلام و کشور بود، من با آن شدیداً مخالفت نمودم، و به دنبال آن شبانه دستگیر شدم و مستقیماً به ترکیه تبعید شدم. یک سال در ترکیه بودم، پس از آن ما را تحویل عراق دادند، و قریب چهارده سال در عراق بودیم. در طول این مدت، من در مواقع مختلف جنایات شاه را چه در اعلامیه و چه در خطابه اعلام می‌کردم و هر فاجعه‌ای را گوشزد می‌نمودم و هرگز ساکت ننشستم، و بعد هم که به اینجا [فرانسه] آمدم...» [۲۹]. برای اینکه گوشه‌ای از کارهای خلاف اسلام شاه و رژیم او را بدانیم، این بخش از سخن امام امت (س) را برای نمونه می‌آوریم: «شواهدی در دست است که دستگاه جبار به حکم الزام و خبائث ذاتی در صدد هدم اسلام است. حمله مسلحانه به مرکز فقهات و هتک مراجع و فقهای اسلام، و حبس و زجر شاگردان مکتب اسلام و اهانت به قرآن کریم و سایر مقدسات مذهبی، نمونه بارز آن است اعلام به تساوی حقوق زن و مرد از هر جهت، الغای اسلام و رجولیت از منتخب و منتخب. و الغای اسلام و رجولیت از شرایط قضاوت، نمونه ظاهر دیگری است. سختگیری کردن و اجحاف نمودن به حجاج بیت الله الحرام و در مقابل وسایل فراهم نمودن و تسهیل برای مسافرت چند هزار نفر عمال اسرائیل به لندن برای توطئه بر ضد اسلام و آن را به اسم مذهب گذاشتن، تخفیف در کرایه طیاره و به هر مسافری از فرقه ضاله پانصد دلار ارز دادن، زمزمه تغییر خط که اخیراً بار دیگر شده، و زمزمه‌های دیگر که ذکر آن اکنون صلاح نیست. اینها و امثال اینهاست که اینجانب را به وحشت انداخته و برای من جای شبهه نیست که سکوت در مقابل دستگاه جبار علاوه بر هدم اسلام و مذهب تشیع، نابودی با ننگ است.» [۳۰]. حوادث دردناکی که در طول ۴۱ شمسی بر اسلام و ملت مسلمان ایران و بویژه حوزه علمیه قم گذشت، امام را بر آن داشت که در نوروز سال ۱۳۴۲ را عزای عمومی اعلام کند و آن را از همه علمای اسلام نیز بخواهد. [۳۱]. زمان هر چه به پانزده خرداد ماه ۴۲ نزدیک می‌شود، تب و تاب مبارزات و اعتصابها، تعطیل بازار و تظاهرات شدت می‌یافت، بویژه اینکه ماه محرم نیز در راه بود. امام خمینی (س) با استفاده از فرصت پیش آمده و فرارسیدن ماه محرم، پیام مهمی خطاب به سران هیأت‌های مذهبی و عاظم و گویندگان فرستاد. در بخشی از این پیام آمده است: «... آقایان بدانند که خطر امروز بر اسلام کمتر از خطر بنی‌امیه نیست. دستگاه جبار با تمام قوا به اسرائیل و عمال آنها همراهی می‌کند. دستگاه تبلیغات را به دست آنها سپرده، و در دربار دست آنها باز است. در ارتش و فرهنگ و سایر وزارتخانه برای آنها باز نموده و شغل‌های حساس به آنها داده‌اند.» [۳۲]. «...»

امروز به من اطلاع دادند که بعضی اهل منبر را برده‌اند در سازمان امنیت و گفته‌اند شما سه چیز را کار نداشته باشید، دیگر هر چه می‌خواهید بگویید. یکی شاه را، یکی هم اسرائیل را، یکی هم نگویید دین در خطر است. خوب، اگر این سه تا امر را ما کنار بگذاریم، دیگر چه بگوییم؟ ما هر چه گرفتاری داریم از این سه تا هست. به هر که مراجعه می‌کنی می‌گوید شاه گفته، شاه گفته، مدرسه فیضیه را خراب کنید، شاه گفته، اینها را بکشید...» [۳۳]. «شما آقایان در تقویم دو سال پیش از این یا سه سال پیش از این بهاییها مراجعه کنید. در آنجا می‌نویسد: «تساوی حقوق زن و مرد؛ رأی عبدالبها» آقایان هم از او تبعیت می‌کنند. آقای شاه نفهمیده، می‌رود بالای آنجا، می‌گوید تساوی حقوق زن و مرد! آقا! این را به تو تزریق کردند. مگر تو بهایی هستی که من بگویم کافر است، بیرونت کنند؟ نظامی کردن زن، رأی عبدالبها. آقا، تقویمش موجود است. نگویید نیست، شاه ندیده این را؟!» [۳۴]. «و الله من شنیده‌ام که سازمان امنیت در نظر دارد شاه را از نظر مردم بیندازد، تا بیرونش کنند و لهذا مطالب را معلوم نیست به او برسانند. تأثیرات ما زیاد است. روابط ما بین شاه و اسرائیل چیست که سازمان امنیت می‌گوید از اسرائیل حرف نزنید، از شاه هم حرف نزنید؟ این دو تا تناسبشان چیست؟ مگر شاه اسرائیلی است؟ به نظر سازمان امنیت، شاه یهودی است!» [۳۵]. چنانکه ملاحظه می‌کنید، امام در این سخنرانی، شخص شاه را در مورد عتاب و خطاب خویش قرار داده است و شاه که تحمل شنیدن سخن حق نداشت به خشم آمد و مأمورانش به دستور او، شبانه امام را دستگیر کردند، که در پی آن، حادثه دوازدهم محرم (۱۵ خرداد) پیش آمد که حضرت امام (س) آن را چنین توصیف می‌کند: من تاکنون احساس عجز در صحبتها نکرده‌ام، و امروز خود را عاجز می‌دانم. عاجز می‌دانم از اظهار تأملات روحی که دارم برای اوضاع اسلام عموماً و اوضاع ایران خصوصاً، و قضایایی که در این یک سال منحوس پیش آمده، خصوصاً قضیه مدارس علمی، قضیه ۱۵ خرداد. قضیه ۱۵ خرداد را من مطلع نبودم، تا اینکه از حبس به حصر تبدیل شد و اخبار خارج به من رسید. خدا می‌داند که اوضاع ۱۵ خرداد مرا کوبید. ۱۵ خرداد ننگی بر دامن این مملکت گذاشت که تا آخر محو نخواهد شد. خودشان هم گفتند که ۱۵ خرداد ننگ بود. من هم می‌گویم ننگ بود، لکن نکته را نگفتند، و من نکته را می‌گویم. ننگ بود که مسلسلها را، تانکها را، توپها را، تفنگها را از مال این مملکت فقیر آوردند و به روی این ملت فقیر بستند!» [۳۶]. امام خمینی (س) در فاصله‌های از زندان تا زمان طرح اسارتبار کاپیتولاسیون - که حدود شش ماه به طول انجامید - چند سخنرانی مهم ایراد کرد که هر یک به نوبه خود، خیانت رژیم و هم پیمانی آن با استعمار و اسرائیل را برملا کرد. اما به محض آگاهی از طرح و تصویب لایحه ننگین کاپیتولاسیون در مجلسین سنا و شورای ملی، خطابه مهیج و تاریخی و کوبنده‌ای ایراد کرد که بخشی از آن را می‌آوریم: «انا لله و انا الیه راجعون. من تأثیرات قلبی خود را نمی‌توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است. روزشماری می‌کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید. ایران دیگر عید ندارد. عید ایران را عزا کردند (گریه حضار)... عظمت ایران از بین رفت... آیا ملت می‌داند در این روزها در مجلس چه گذشت؟... به حسب این رأی ننگین [کاپیتولاسیون] اگر یک مستشار آمریکایی یا یک خادم مستشار آمریکایی به یکی از مراجع تقلید ایران، به یکی از افراد محترم ملت، به یکی از صاحب منصبان عالیرتبه ایران هر جسارتی بکند، هر خیانتی بنماید پلیس حق بازداشت او را ندارد، محاکم ایران حق رسیدگی ندارد، ولی اگر به یک سگ آنها تعرضی بشود پلیس باید دخالت کند، دادگاه باید رسیدگی کند... از بعض منابع مطلع به من اطلاع دادند که این طرح مفتضح را به دولت پاکستان، اندونزی، ترکیه، آلمان غربی پیشنهاد کرده‌اند، هیچکدام زیر بار این اسارت نرفته‌اند. تنها دولت ایران است که این قدر با حیثیت ملت و اسلامیت ما بازی می‌کند... اکنون من اعلام می‌کنم که این رأی ننگین مجلسین مخالف اسلام و قرآن است و قانونیت ندارد... و اگر اجنبیها بخواهند از این رأی کثیف سوء استفاده کنند تکلیف ملت معین خواهد شد.» [۳۷]. پس از ایراد این سخنان بود که امام امت به ترکیه و سپس به عراق تبعید و برای پانزده سال از ملت مسلمان ایران دور شد. اما همچنان ارتباط خود را با آحاد ملت از طریق پیامها و نوارهای سخنرانیهایش حفظ کرد. در این باره مقتضی می‌بینیم، سخن دانشمند شرق شناس مصری را نقل کنیم که می‌گوید: «به هیچ وجه نمی‌توان تأثیر عظیم انقلاب را بر ملل شرق به طور اعم و بر ملل اسلامی

به طور اخص نادیده گرفت. این انقلاب تنها انقلاب در جهان معاصر است که بر اساس یک ایدئولوژی اسلامی پایه گذاری شده است، و در رأس آن رهبری امام خمینی قرار داشت؛ مردی مذهبی در تبعید و جدای از پیروان و مقلدانش. این مرد زجر کشیده موفق به رهبری یکی از مشهورترین انقلابهای عصر جدید گردید. با مطالعه‌ی شخصیت امام خمینی می‌توان روح اسلام واقعی را در شکل بکر و بدیع آن شناخت. بعد از سپری شدن چهارده قرن از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، کشوری نو بر اساس مبانی اسلام تأسیس کرد که تمام نهادهای سیاسی و اجتماعی آن با اصول اسلام تعویض و از نو پایه گذاری شده است. [۳۸]. شاید دیگر نیازی به نقل حوادث و رخدادهای دوران پانزده ساله پیش از پیروزی انقلاب و رویدادهای پس از آن نباشد. کافی است بدانیم که صدها اثر مکتوب به صورت نامه، اعلامیه، خطابه و مصاحبه حاصل رهبریهای پیامبر گونه قائد عظیم الشان حضرت امام خمینی قدس سره الشریف است که تعداد زیادی از آنها را مصاحبه‌هایی با رسانه‌های خارجی و شخصیت‌های برجسته غربی و شرقی تشکیل می‌دهد که نشانه عظمت انقلاب اسلامی و نقش رهبری بی‌همانند آن حکیم فرزانه و حاکی از توجه محافل جهانی به این پدیده عظیم تاریخی است. [۳۹]. این مرحله از مقاله را با نقل بخشی از سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی به پایان می‌بریم: «... در طول تبعید در سنگر تدریس فقه اسلام، و در بالاترین و وزین‌ترین کرسی حوزه‌های علمیه... در طول سالیان اختناق همواره راه دراز و دشواری را که در مقابل مردم ایران بود به آنان نمود و خط حرکت را ترسیم کرد... در سالهای آخر اختناق این راهنمایها شتاب و قاطعیت و صراحت پیامبرانه‌ای گرفته بود... و در میان کوهی از مشکلات، ناباوریها و ناتوانیها راهی به وسعت عبور یک ملت می‌گشود. آخرین فصل مبارزه بر ضد رژیم تحمیلی شاه، یعنی از اوایل سال ۵۶ تا دوازدهم بهمن سال ۵۷ سرشار از حوادثی است که در هر کدام نقش رهبری امام که در پیامها، گفتارها و اعلامیه‌هایش متجلی بود، برجسته‌تر و نمایان‌تر از گذشته است... در همه این حوادث، سخن امام و پیام روشن و بی‌ابهام او در میان اضطراب و تشویش گروهی و حیرت یا جهالت گروهی دیگر همیشه حرف آخر را با قاطعیت گفته، راهی را که مردم باید بپیمایند به آنان نشان داده است، و البته بدون استثنا مردم هم همان راه را برگزیده و پیموده‌اند. پس از پیروزی انقلاب در دهها واقعه بزرگ و تعیین کننده، تنها کلام متین و سنجیده امام بود که خط انقلاب را از خطوط دیگر مشخص ساخته و مردم را بدان سوق داده است. مردم از این دریچه همواره اراده خدا را شناخته و رفع شبهه‌ها و پاسخ سؤالات خود را یافته‌اند، و به کجا می‌رفت کاروان انقلاب، اگر این رهبری الهی نمی‌بود، و این ناطقه الهی نمی‌گفت؟» [۴۰].

### دستاوردهای قیام امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران

۱- نخستین ثمره نهضت امام خمینی (س)، بیدار کردن مردم و دخالت دادن آنان در سرنوشت خود و مملکتشان است؛ چیزی که دشمنان داخلی و خارجی اسلام و ایران، آن را نمی‌خواستند. [۴۱]. ۲- معرفی اسلام به عنوان مکتبی غنی و پربار جهت اداره شئون مملکت و طرح ایجاد حکومت اسلامی؛ به رغم تبلیغات دشمنان دایر بر اینکه اسلام، تعلق به گذشته است و دستورات و آیین آن قادر به اداره امور در عصر کنونی نیست. [۴۲]. ۳- متوجه کردن مردم به فرهنگ ایثار و شهادت و نشر دستورهای اخلاقی اسلام؛ در حالی که یکی از نقطه‌های استعمار، ترویج برنامه‌های مبتذل و اشاعه فرهنگ غربی در جامعه بویژه در میان نسل جوان بود. [۴۳]. ۴- معرفی و شناساندن دشمنان داخلی و خارجی اسلام و کشور و قطع سلطه استعمار و استکبار خارجی و نفاق داخلی از مقدرات مملکت. [۴۴]. ۵- ایجاد وحدت کلمه بین آحاد ملت ایران در سایه پیروزی از اسلام و قرآن و اطاعت از رهبری انقلاب و ولایت فقیه. [۴۵]. ۶- معرفی نقش روحانیت شیعه در مصون نگه داشتن کشور و جامعه از خطر دشمنان و جلوگیری از تهاجم فرهنگی آنان. [۴۶]. ۷- حفظ استقلال کشور با ایجاد خودکفایی و ساختن مملکتی آباد و آزاد. [۴۷]. تشریح دستاوردهای انقلاب اسلامی و ثمره رهبریهای مدیرانه حضرت امام خمینی (س) در این مختصر مقدور نیست، لذا در این مرحله به بررسی مواضع امام و پیوند آنان

با فرهنگ عاشورا می‌پردازیم:

### دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی امام خمینی و پیوند آن با فرهنگ عاشورا

تأکید بر اصل حکومت اسلامی: طرح این مسئله از سوی امام خمینی و تأکید بر آن از آغاز مبارزه تا حصول پیروزی، نشانه اهمیت فوق العاده آن است. شایان ذکر است که یکی از عمده‌ترین پرسش‌های بیشتر شخصیتها و محافل تبلیغاتی و خبر گزاریهایی معتبر جهانی هنگام مصاحبه و گفتگو با امام خمینی، درباره چگونگی حکومت اسلامی مطرح شده از سوی معظم له بود. [۴۸] اهمیت موضوع در چند فراز از کلام حضرت امام (س) به خوبی مشخص می‌شود: «... اینجاست که حال حکومتها همه معلوم می‌شود و رسمیت حکومت اسلامی اعلان می‌گردد.» [۴۹]. «ما که به ولایت معتقدیم باید به ضرورت تشکیل حکومت معتقد باشیم... مبارزه در راه تشکیل حکومت اسلامی لازمه اعتقاد به ولایت است.» [۵۰]. «توجه داشته باشید، که شما وظیفه دارید حکومت اسلامی تأسیس کنید. اعتماد به نفس داشته باشید، و بدانید که از عهده این کار بر می‌آید.» [۵۱]. در میان سخنان امام حسین علیه‌السلام نشانه‌های این اندیشه را نیز می‌یابیم. مانند: «مجارى الامور بيد العلماء بالله الامناء على حلاله و حرامه» و یا مانند: «و اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله اولی بهذا الامر من هؤلاء المدعین ما لیس لهم» [۵۲]. و همچون: «و على الاسلام السلام اذا بليت الامه براع مثل یزید.» [۵۳]. باید دانست که امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، همزمان با طرح حکومت اسلامی، مسئله «ولایت فقیه» را به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین شکل‌های حکومت در جامعه مطرح کرد که می‌توان آن را یکی از شکوهمندترین و با ارزش‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی به شمار آورد. بر اساس اصل ولایت فقیه، در زمان غیب حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل آگاه به زمان و شجاع و مدیر و مدبر است و این نیز چیزی جز ولایت و اختیارات پیامبر (ص) و امامان معصوم علیهم‌السلام نیست. بدیهی است در کنار این نظریه، دیدگاه‌های دیگری نیز ارائه می‌شود که نزد حضرت امام (س) پذیرفته نیست. [۵۴] پیوند این دیدگاه با فرهنگ عاشورا از سخن مشهور حضرت امام حسین بن علی علیه‌السلام است که به آن اشاره کردیم: «مجارى الامور بيد العلماء بالله.» [۵۵]. امام خمینی (س) در پیامی که در سال ۱۳۶۲ به مجلس خبرگان فرستادند چنین فرمودند: «ما می‌دانیم که ابر قدرتها و حکومت‌های وابسته به آنان با اسلام شاهنشاهی و ملکی مخالف نیستند، بلکه بی‌شک آنها را تأیید نیز می‌کنند؛ اسلامی که بوسیله ایادی ابلیسی... عرضه شود که علمای اسلام نباید در امور سیاسی و اجتماعی مسلمین دخالت کنند و حکم واضح عقل موافق با قرآن را نادیده گرفته و حدیث شریف «مجارى الامور بيد العلماء بالله» را ضعیف و سخن شریف «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا» و دیگر احادیث از این قبیل را بی‌معنا کنند یا به تأویل بکشانند، صد در صد مورد تأیید آنان است... آنان از اسلام علی بن ابی‌طالب می‌ترسند. اگر آن شهید دلباخته اسلام مثل اینان فکر می‌کرد و راهی جز بین مسجد و منزل نمی‌پیمود، نه جنگ صفین و نهروان، و نه جنگ جمل پیش می‌آمد. و اگر سید الشهداء مثل اینان فکر می‌کرد و در کنار قبر جدش به ذکر و دعا می‌پرداخت، فاجعه کربلا پیش نمی‌آمد و دوستان خدا قطعه قطعه نمی‌شدند و آل الله به اسارت نمی‌رفتند.» [۵۶]. یکی دیگر از مواضع امام خمینی (س) معرفی دشمنان اصلی اسلام و مسلمین است که با استفاده از فرصت‌های گوناگون و بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف، به افشای ماهیت آنان و در رأس همه آنها آمریکا و اسرائیل و رژیم ستمشاهی محمد رضا پهلوی پرداخت و در این راه با نهایت صلابت و شجاعت به پیش رفت. حضرت امام (س) در خطابه معروف خویش به رد طرح ننگین کاپیتولاسیون در تاریخ ۴ آبان ماه ۱۳۴۳ فرمود: «... قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آن مطمئن باشند اگر خمینی یکه و تنها بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و شرک و بت پرستی است ادامه می‌دهد.» [۵۷]. «... آقا! من اعلام خطر می‌کنم... ای سران اسلام به داد اسلام برسید! ای علمای نجف به داد اسلام برسید! ای علمای قم به داد اسلام برسید!... ما زیر چکمه آمریکا برویم چون ملت ضعیفی هستیم؟ چون دلار نداریم؟ آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر. همه از

هم بدتر، از هم پلیدتر. اما امروز سر و کار ما با این خبیث‌هاست؛ با امریکاست... تمام گرفتاری ما از این امریکاست. تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است.» [۵۸]. «مهمترین و دردآورترین مسئله‌ای که ملت‌های اسلامی و غیر اسلامی کشورهای تحت سلطه با آن مواجه است، موضوع امریکاست. امریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است.» [۵۹]. در شرایط پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نیز می‌توانیم به چند نمونه از تاکتیک‌های سیاسی و مواضع انقلابی امام که به سرعت حرکت نهضت و سقوط دشمن انجامید اشاره کنیم: - دعوت به اعتصاب قشرهای گوناگون از بازاریان، کارگران کارخانه‌ها، کارمندان ادارات و در رأس آنان اعتصاب کارکنان صنعت نفت که در شکست اقتصادی رژیم نقش مؤثری داشت. [۶۰]. - دعوت به اتحاد نیروهای مختلف ملت به منظور به انزوا کشاندن نیروی مخالف و ایجاد وحشت در دشمن. - دعوت به برگزاری تظاهرات و انجام راهپیمایی‌های میلیونی بویژه در تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷. [۶۱]. - ارسال پیام برای سران کشورها و اتحادیه‌های دانشجویان خارج از کشور و نیز تأثیر پیام و نوارهای سخنرانی و توزیع گسترده آن در سطح کشور برای آگاه کردن ملت از شرایط زمانی نهضت و تشریح موقعیت دشمن و ترسیم خط مشی آینده نهضت. [۶۲]. - صدور دستور قاطع برای فرار افسران و سربازان مسلمان و مبارز از پادگانها و عدم لزوم اطلاعات از سران خود فروخته ارتش. [۶۳]. - دستور نپذیرفتن وزرا و کارمندان فاسد در وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و پرداختن مالیات و عوارض به رژیم، به منظور تسریع بخشیدن به سقوط آن. [۶۴]. - عنایت به محرومان و آسیب دیدگان از اعتصابهای کارگری و کارمندی. [۶۵]. می‌توانیم پیوند مواضع مبارزاتی امام خمینی را با فرهنگ عاشورا از اغتنام فرصتهای حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در مورد زیر مورد مقایسه قرار دهیم: امام حسین (ع) برای افشای نفاق و جنایت دستگاه خلافت و جلب افکار عمومی در جهت رویارویی با آن، چند نامه به مردم بصره و کوفه و نیز چند تن از افراد و بنی‌هاشم و دیگران نوشت و چند سخن کوتاه و خطابه در دیدار با والی مدینه و مروان بن حکم و مواضع دیگر ایراد فرمود. جدی بودن این موضعگیری و آمادگی برای هر گونه حرکت لازم را از اینجا در می‌یابیم که امام هنگام ورود بر والی مدینه، سی تن از یاوران مسلح خویش را نیز به همراه برد. [۶۶]. امام حسین (ع) حرکت از مکه با همراهان خویش را در زمانی انجام داد که شهر مکه به خاطر برگزاری مناسک حج از همه وقت شلوغ‌تر بود. آن حضرت در سخنرانی حماسی و هیجان‌انگیزش فرمود: «الا و من کان باذلاً فینا مهجته موطناً علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا فانی راحل مصباحاً ان شاء الله.» [۶۷]. یکی از برخوردهای بسیار مهم امام حسین (ع) در خارج از مکه، موضوع شترداران حامل اجناس قیمتی برای دربار یزید بن معاویه است که آن حضرت تمام محموله‌ی آنان را گرفت و فرمود: «من احب منکم ان ینصرف معنا الی العراق او فینا کراءه و احسنا صحبتته و من احب المفارقة اعطیناه من الکراء علی ما قطع من الارض.» خلاصه اینکه: اگر می‌خواهید با ما بیایید بهتر، و گرنه فقط کرایه تا اینجا را بگیری. تاریخ در اینجا حکایت دارد که برخی ماندند و عده‌ای بازگشتند. [۶۸]. در اینجا بخشی از یکی از سخنرانیهای سرنوشت ساز امام خمینی (س) را در روزهای نخست مبارزه می‌آوریم، تا مسئله پیوند انقلاب اسلامی ایران با فرهنگ عاشورا بهتر روشن شود: «... مسلمین آگاه باشند که اسلام در خطر کفر است. مراجع، علمای اسلام بعضی محصور و بعضی محبوس... در تهران حضرت آیت الله خوانساری و حضرت آیت الله بهبهانی را در محاصره شدید قرار دادند... با ما معامله بردگان قرون وسطی می‌کنند. به خدای متعال من این زندگی را نمی‌خواهم: انی لا اری الموت الا سعادة و لا الحیاة مع الظالمین الا برماً.» برای اثبات پیوند موضع امام با فرهنگ عاشورا کافی است بدانیم که امام حسین علیه السلام در وصیتنامه خویش در مدینه، هدفش از سفر به عراق را امر به معروف و نهی از منکر دانسته است. [۶۹]. امام خمینی (س) در یکی از سخنانش چنین می‌فرماید: «سیدالشهدا سلام الله علیه وقتی می‌بیند که یک حاکم ظالمی جائری در بین مردم دارد حکومت می‌کند... ظلم دارد می‌کند به مردم، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند. خوب، سیره انبیا همین بوده است که چنانچه یک سلطان جائر به مردم حکومت می‌خواهد بکند، بایستد در مقابلش، به هر جا می‌خواهد منتهی بشود... پس ما مبالاتی نداریم در اینکه کشته می‌دهیم. البته باید هم بدهیم... چه کشته بشویم و چه بکشیم حق با ماست. ما اگر کشته هم بشویم در

راه حق کشته شدیم، پیروزی است. و اگر بکشیم هم در راه حق است و پیروزی است.» [۷۰]. بدیهی است در فرصتهای دیگر - ان شاء الله - به بررسی مواضع دیگر حضرت امام خمینی (س) و پیوند آنها با فرهنگ عاشورا خواهیم پرداخت. با آرزوی ادامه انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و آرزوی طول عمر و سلامت برای رهبر معظم و فرزانه انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای این مقاله را به پایان می‌بریم.

## پاورقی

- [۱] بنگرید به: عیون اخبار الرضا ۲۲۲ - ۲۱۶ / ۱.
- [۲] بنگرید این جمله و گوینده آن را در: الملل و النحل ۱/ ۲۹، شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید ۵۱ / ۶.
- [۳] همان مأخذ: ۸ - ۵۲ / ۲.
- [۴] مسند احمد بن حنبل ۱۴ / ۳ و ۱۸۱ و ۱۸۲ / ۵، ۱۷. صحیح مسلم ۲۳ / ۱.
- [۵] بنگرید به: نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، خطبه ۶۹ / ۲۷. و مظلومیت امام علی علیه‌السلام به جایی رسیده بود که دوستان نا دانش سیاست معاویه را در حکومت داری بر سیاست امام ترجیح می‌دادند که امام آن را در نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح / ۲۱۸ مطرح کرده و فرموده است: و الله ما معاویه بأدهی منی و لکنه یغدرو یفجر..
- [۶] بنگرید به: شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید ۲۲۲ - ۲۱۹ / ۱۳. و بعد در همانجا آمده است که بنی‌امیه هزار ماه (۸۰ سال) آن حضرت را لعن کردند، ولی پایانش به بزرگی و عزت او تمام شد.
- [۷] بنگرید به: همان مأخذ ۲۲۲ / ۱۳.
- [۸] بنگرید به: مروج الذهب ۴۳۱ - ۴۳۰ / ۲.
- [۹] بنگرید به: مجله نور علم شماره‌ی ۸۰ / ۶، از مقاله استاد رضا استادی تحت عنوان ثمرات قیام امام حسین (ع). [۱۰] بر گرفته از بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای.
- [۱۱] بنگرید به: مقدمه‌ی حیات فکری و سیاسی امامان شیعه ۲۵ / ۱.
- [۱۲] بنگرید به: همان مأخذ ۹۷ / ۱.
- [۱۳] بنگرید به: الامامه و السیاسة ۱۸۶ / ۱.
- [۱۴] بنگرید به: سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا / ۱۲.
- [۱۵] بنگرید به: همان مأخذ ۳۶.
- [۱۶] امام به برادرش محمد حنفیه چنین فرمود: «و اما انت فلا علیک أن تقیم بالمدينة فتکون؟». بنگرید به: همان مأخذ / ۳۲.
- [۱۷] بنگرید به: نهج الشهادة (مجموعه‌ی سخنان امام حسین علیه‌السلام) به نقل از مقتل سلیم بن قیس ۲۱۶.
- [۱۸] بنگرید به این سخن حماسی امام در پایان آن سخنان که فرمود: «الا و من کان فینا باذلاً مهجته موطناً علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا فانی راحل مصباحاً ان شاء الله».
- [۱۹] بنگرید به همان مأخذ ۱۴۹.
- [۲۰] منابع آن حدیث که حدیث شریف ثقلین است گذشت.
- [۲۱] بنگرید به: شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید ۲۲۲ / ۱۳، معالم المدرستین ۵۲ / ۲.
- [۲۲] بنگرید به: مروج الذهب ۲۱۶ / ۳.
- [۲۳] نقل از مقاله استاد محمد رضا حکیمی تحت عنوان «عاشورا».

- [۲۴] بنگرید به: صحیفه نور ج ۱۰۰/، از پیام امام خمینی به ملت ایران در تاریخ ۶ / ۱۰ / ۵۷.
- [۲۵] بنگرید به همان ماخذ ۴/ ۶۱، از پیام امام به ملت ایران به تاریخ ۲۱ / ۹ / ۵۷.
- [۲۶] بنگرید به: مقدمه کتاب کشف الاسرار، صحیفه نور ۷ - ۵ / ۱.
- [۲۷] بنگرید به: صحیفه نور ۴/ ۳۹، از مصاحبه امام با مفسر لوس آنجلس آمریکا، تاریخ ۱۶ / ۹ / ۵۷.
- [۲۸] بنگرید به: همان ماخذ ۱/ ۹، از بیانات امام در مورد نقش روحانیت به تاریخ ۱۰ / ۱ / ۴۱.
- [۲۹] بنگرید به: همان ماخذ ۴/ ۳۹، از مصاحبه امام با مفسر لوس آنجلس آمریکا به تاریخ ۱۶ / ۹ / ۵۷.
- [۳۰] بنگرید به: همان ماخذ ۱/ ۵۰، از پاسخ امام به تلگراف علمای همدان، به تاریخ ۱۶ / ۲ / ۴۲.
- [۳۱] بنگرید به: همان ماخذ ۱/ ۳۷، پیام امام به علمای اعلام، حجج اسلام به تاریخ ۲۳ / ۱۲ / ۴۱.
- [۳۲] بنگرید به: همان ماخذ ۱/ ۵۲، تاریخ ۲۸ / ۲ / ۴۲.
- [۳۳] بنگرید به: همان ماخذ ۱/ ۲۵، به تاریخ بهمن ۴۱، و ۴۳ / ۱، به تاریخ ۲۳ / ۱ / ۴۲، در تلگراف به حضرت آیه الله حکیم.
- [۳۴] بنگرید به: همان ماخذ ۱۳/ ۱ و ۴۰ و ۴۶.
- [۳۵] بنگرید به: همان ماخذ ۵۷ - ۵۴ / ۱، بیانات امام در مورد نقشه‌های اسرائیل به تاریخ ۱۳ / ۳ / ۴۲.
- [۳۶] بنگرید به: همان ماخذ ۱/ ۶۷، بیانات امام پس از آزادی از زندان به تاریخ ۲۵ / ۲ / ۴۳.
- [۳۷] بنگرید به: همان ماخذ ۱/ ۱۰۹، از پیام امام به ملت ایران به تاریخ ۴ / ۸ / ۴۳.
- [۳۸] بنگرید به: امام خمینی اسوهی جاودانه‌ی تاریخ / ۴۲، از مقاله‌ی دکتر ابراهیم الدسوقی مصری.
- [۳۹] بنگرید به: صحیفه نور جلد‌های ۴ - ۱.
- [۴۰] بنگرید به: مقدمه صحیفه نور ۶ / ۱.
- [۴۱] بنگرید به: صحیفه نور ۱۳ - ۱۱ / ۲.
- [۴۲] بنگرید به: همان ماخذ ۱: ۹۰ و ۱۲۲ - ۱۱۹.
- [۴۳] بنگرید به: همان ماخذ ۹۸ - ۹۷: ۱ و ۱۹۵ و ۲۳۴.
- [۴۴] بنگرید به: همان ماخذ ۲/ ۶۷، ۱/ ۱۹۵ و ۱۲۹.
- [۴۵] بنگرید به: همان ماخذ ۴/ ۲۸۰، ۲/ ۲۵۰. دکتر ابراهیم الدسوقی استاد دانشگاه مصر می گوید: لازمه‌ی انقلاب، اسلحه نیست، بلکه نیروی ایمان و اتحاد مردم است. انقلاب ایران با گروه کوچکی از روحانیون، تعدادی از دانشجویان علوم مذهبی آغاز گردید، و سپس توده‌ی مردم به آن پیوستند، سرانجام انقلاب ایران به جهان ثابت کرد که غیر از مارکسیزم مکتب و نیروی انقلابی دیگری در جهان وجود دارد. به نقل از کتاب امام خمینی اسوهی جاودانه‌ی تاریخ / ۴۴.
- [۴۶] بنگرید به: صحیفه نور ۱۶۲ - ۱۶۱ / ۱ و ۲/ ۶۰، ۲۰۷ و ۸۲ و ۱۱۴.
- [۴۷] بنگرید به: همان ماخذ ۱/ ۴۶ و ۲/ ۲۲۶، ۵/ ۱۱۴، ۲/ ۵۶، ۶۴.
- [۴۸] در این مورد بنگرید به: صحیفه‌ی نور مجلد‌های ۴ - ۱.
- [۴۹] بنگرید به: کتاب کشف الاسرار / ۲۲۲.
- [۵۰] بنگرید به: کتاب ولایت فقیه حضرت امام / ۲۲.
- [۵۱] بنگرید به: کتاب ولایت فقیه حضرت امام / ۲۲.
- [۵۲] بنگرید به: سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا / ۱۴۲.
- [۵۳] بنگرید به: همان ماخذ / ۱۸.



[۵۴] مانند نظریه کسانی که حکومت اسلامی را معاهده‌ای بین مردم و حاکم می‌دانند که به عنوان وکالت فقیه برمی‌گردد، نه ولایت فقیه، و نظریه کسانی دیگر که آن را بر اساس قانون اساسی نه برتر از آن، حق فقیه دانسته‌اند، که این اندیشه متأثر از اندیشه لیبرالیستی است.

[۵۵] بنگرید به: تحف العقول / ۲۳۸.

[۵۶] بنگرید به: کلام امام و راه امام دفتر دهم / ۱۶۳ - ۱۶۰.

[۵۷] بنگرید به: صحیفه نور ۱/ ۱۱۱، پیام امام به تاریخ ۴/ ۸/ ۴۳.

[۵۸] بنگرید به: همان مأخذ ۱۰۶ - ۱/ ۱۰۲.

[۵۹] بنگرید به: همان مأخذ ۱۳/ ۸۳، از پیام امام به زائران بیت الله الحرام به تاریخ ۲۱/ ۶/ ۵۹.

[۶۰] بنگرید به: صحیفه نور ۴/ ۱۰، ۳/ ۱۶۲ و ۸۳ و ۱۰۱.

[۶۱] بنگرید به: همان مأخذ ۶۱ و ۵۶ - ۴/ ۵۵.

[۶۲] بنگرید به: همان مأخذ ۲/ ۱۷ و ۱۱۲ و ۱۱۰ و ۱۷۲.

[۶۳] بنگرید به: همان مأخذ ۱۰۱ و ۴/ ۱۰.

[۶۴] بنگرید به: همان مأخذ ۴/ ۱۴۱ و ۲۳۷ - ۲۳۶ و ۲۴۶.

[۶۵] بنگرید به: همان مأخذ، ج/ ۱۰۱ و ۱۴۲.

[۶۶] در این مورد بنگرید به: سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا / ۵۲ و ۵۷ و ۷۲.

[۶۷] بنگرید به: همان مأخذ / ۶۳.

[۶۸] بنگرید به: همان مأخذ / ۱۰۲ - ۱۰۱.

[۶۹] بنگرید به: سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا / ۳۶.

[۷۰] بنگرید به: صحیفه نور ۲/ ۲۰۸.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

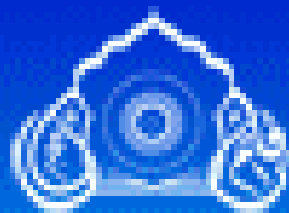
## ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

